



## حضور حجت الاسلام موسوی، معاونت پژوهش دانشگاه فرهنگیان

### ویژگی نهاد آموزش و پرورش مدرن

آموزش و پرورش یک نهاد مدرن است که از بستری مدرن متولد شده است.

ایده نظام مدرسه‌ای که به صحنه عمل رسید در اساس به دنبال مقابله با نظام آموزش کلیسا بود. حال سوال این است که آیا نظامی که برای مقابله با دین به وجود آمده است می‌تواند برای دین و درکنار دین عمل کند؟!

سکولاریسم یا دین‌گریزی بر اساس امیال شخصی که روح تجلی یافته تمدن مدرن است در نهاد آموزش مدرن دیده می‌شود.

در این هنگام، مدارس که پشتیبان و پیشران هستند با هدف آموزش کارگر، سکولاریسم تربیتی را رقم زدند.

این خوانش زمینی از تربیت اخلاقی سکولاریسم اخلاقی نامیده می‌شود، هرچند که در حوزه توصیه‌های اخلاقی و دینی باشد.

این معنا، همان معنی دین‌گریزی بر اساس امیال شخصی است که بعضی از فضیلت‌های اخلاقی در

این تمدن پذیرفته می‌شود تا اهدافشان دنبال شود ولی برخی دیگر از فضیلت‌های اخلاقی پذیرفته نمی‌شود و برای داخل کتاب‌ها تهیه می‌شود نه صحنه عمل!

این سکولاریسم تا دسته‌بندی روش‌های تدریس پیشروی می‌کند

تا جایی که در تربیت سیاسی می‌بینیم که گفته می‌شود هیچ راهی غیر از دموکراسی وجود ندارد! دموکراسی به معنی حاکمیت مردم تنها خروجیش این است که ما باید پایبند به اکثریت باشیم تلقین دموکراسی در نهاد آموزش و پرورش اجرا می‌شود.

اما وقتی به تربیت دینی در نهاد آموزش و پرورش نگاه می‌اندازیم متوجه می‌شویم که تلقی وجود ندارد می‌گوییم مردم! این دین بودایی است، این دین اسلام است، این کفر است...

هر آنچه را خواستند می‌توانند انتخاب کنند. چون نباید ارزش گذاری کنید!

نظام آموزشی‌تان فارغ از ارزش باشد!

در صورتی که برای تربیت سیاسی چنین دیدگاهی را

قائل نیستند و انتهای تربیت سیاسی برتری یک مکتب می‌رسند.

## مقاومت کیشی در برابر مقاومت کُشی



علوم انسانی موجود یکی از خصلت‌های پنهانش این است که مقاومت‌های علیه خودش را بر نمی‌تابد. تا جایی که اگر روژه‌گاردی، فیلسوف فرانسوی هم علیه هولوکاست حرف بزند، تبعاتی را باید به جان بخرد.

اما برای دین، داستان تکثرگرایی را به راه می‌اندازد و می‌گوید از سوپرمارکت ادیان، همه دین‌ها را ببین و هر آنچه خواستی انتخاب کن.

رویکرد‌های نئولیبرال‌ها، رویکرد‌های انتقادی، رویکرد‌های پُست‌مدرن و رویکرد‌های اسلامی به انتقاد برخواستند.

رویکرد‌های غیر اسلامی به رغم اینکه مقالات انتقادی می‌نوشتند اما چارچوب نظام آموزش مدرن را به هم نمی‌زد و آن را هدف اشاره خود قرار نمی‌داد.

اسلام ناب، از توحید معنای مقاومت را اخذ کرده و به توحید اجتماعی، هم در نظر و هم در عمل تحقق بخشید

در رویکرد‌های اول و دوم و سوم اگر چه به انسان

اهمیت میداد و انسان‌شناسی را سرلوحه قرار داد اما رویکرد چهارم نگاه هستی‌شناسی هم به این انسان‌شناسی اضافه می‌شود تا توحید اجتماعی را برای جامعه معنا کند.

حربه جدید دنیای مدرن برای مقابله با تربیت مقاومتی که توحید اجتماعی آن را دنبال می‌کند، پداگوژی تسلیم است.

غایت پداگوژی تسلیم همان بسندگی به وضعیت موجود است که با بسط چهار خصلت آن را دنبال می‌کند.

اول اینکه می‌گوید انسان بر عقیده برتر است. در صورتی که این دوگانه‌ی انسان یا عقیده از اساس اشتباه است. آیا می‌شود گفت انسان یا ستر انسان؟ نهایت می‌گوید لازم نیست کسی فدای وطنش شود.

دوم اینکه حقیقت یا دست نیافتنی است یا وجود ندارد. دنبال این است که بگوییم هیچ چیز ثابتی وجود ندارد. از کجا معلوم که امام زمان می‌آید؟

سوم اینکه دیوار بین ارزش‌ها باید بریزد. می‌گوید به لحاظ ارزش‌شناسی نمی‌دانم ازدواج زن با مرد درست است یا مرد با مرد یا زن با زن! همه شما درست می‌گویید. دیواری بین حق و باطل وجود ندارد.

و چهارم اینکه ما باید جهانی بشویم! یعنی اینکه تمام تربیت‌های وطنی فرو بریزد. دیگر فرقی ندارد این خاک اسمش ایران است. مرزی وجود ندارد. ما همه یکی هستیم. فلذا اگر به مرز شما حمله شد، مقابله نکنید چون در مسیر جهان وطنی هستیم!

بررسی و گنگاش در ادبیات ظاهراً خنثی و گاه مثبت دنیای مدرن، موجب می‌شود خط سکولاریسم و مقابله با مقاومت در آموزش و پرورش رسمی کشورها شناسایی شود.